

ولادت امام مهدی (عج) در دیدگاه شیعه و اهل سنت

مهدی اکبرنژاد

عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام

شیعه و تولد امام مهدی (عج)

در جامعه شیعه دوازده امامی، هم در بین عالمان و صاحب نظران و هم در میان مردم عادی، تولد امام مهدی (عج) مورد اجماع بوده، از ضروریات مذهب قلمداد می شود و در این میان کسی را نمی توان سراغ گرفت که کوچک ترین تردیدی در این باره داشته باشد. این باور در جای جای آثار شیعه از کهن ترین آنها تا دوره های کنونی انعکاس یافته است. مرحوم کلینی در الکافی با صراحت می نویسد:

«وللایمانی للصف من شعبان سنة خمس و خمسين و مائتين»^۱.

مسعودی در احادیث زیادی همین را گزارش کرده^۲ و مرحوم صدوق نیز در ضمن روایات متعددی، آن را بیان کرده است^۳. شیخ مفید در الارشاد نیز همین باور را منعکس نموده^۴ و سید مرتضی در تنزیه الانبیاء آن را مستدل ساخته^۵ و شیخ طوسی در کتاب الغیبه، همانند عالمان پیشین، این واقعه را ذکر کرده^۶؛ و به همین سان، دانشمندان شیعه تا دوره های معاصر، بر این مسئله تأکید ورزیده اند. مرحوم علامه طباطبایی در کتاب شیعه در اسلام می نویسد:

«حضرت مهدی موعود، فرزند امام یازدهم که اسمش مطابق اسم پیامبر ﷺ بوده در سال دویست و پنجاه و شش و یا دویست و پنجاه و پنج در سامراء متولد شدند»^۷.

مرحوم مظفر در عقاید الامامیه به هنگام معرفی عقاید شیعه، یکی از آن باورها را ولادت امام مهدی (عج) معرفی می کند^۸ و بدین سان می توان گفت یکی از مشخصات شیعه نزد سنیان، اعتقاد به متولد شدن امام مهدی است.

۱- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۵۷-۲۵۹.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ص ۱۴۳-۱۶۱.

۴- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، باب آخر.

۵- سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۰.

۶- شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۳۹.

۷- محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۴۸.

۸- محمد رضا مظفر، عقاید الامامیه، ص ۲۸۹-۲۹۰.

ابن قیّم جوزیه در المنار المنیف می‌نویسد:
«و اما الرافضة الامامية فلهم قول رابع و هو انّ
المهدی هو محمد بن الحسن العسکری من
ولد الحسین بن علی»^۱.

اهل سنت و ولادت امام علیه السلام

برعکس شیعه، بیشتر اهل سنت متولد شدن
حضرت مهدی (عج) را نپذیرفته‌اند و بر این
باورند که مهدی موعودی که در احادیث اسلامی
به آن نوید داده شده هنوز متولد نگردیده و وی
در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد؛ از جمله شمس
الدین ذهبی^۲، ابن قیّم جوزیه^۳، ابن حجر
هیتمی^۴ و نیز ابن خلکان^۵ به این موضوع
تصریح دارند.

آقای محسن العباد، استاد دانشگاه مدینه در
این باره می‌نویسد:

«احادیث فراوان درباره مهدی... بدون شک بر
یک حقیقت ثابت دلالت دارند و آن اینکه
مضمون این احادیث در آخرالزمان تحقق
می‌یابد و این فکر، هیچ ارتباطی با عقیده
شیعه درباره مهدی منتظر که او را محمد بن
الحسن می‌نامند، ندارد...»^۶.

وی در جای دیگر، با اشاره به این مطلب
می‌نویسد:

«مهدی نزد اهل سنت... در آخرالزمان به دنیا
خواهد آمد و حاکمیت اسلامی را به دست
خواهد گرفت»^۷.

عالمان اهل سنت و اعتراف به ولادت

محمد بن الحسن العسکری

با اینکه بیشتر اهل سنت به تولد مهدی
موعود اعتقادی ندارند، ولی بسیاری از آنان به
دنیا آمدن فرزند امام عسکری علیه السلام را به گونه‌ای
پذیرفته‌اند، و یا آن را به شکل گزارش تاریخی
ذکر کرده‌اند.

یکی از نویسندگان معاصر در این باره از ۶۶
نفر از عالمان اهل سنت یاد کرده^۸، یکی دیگر از
۶۸ نفر^۹ نام برده و دیگری این رقم را به ۱۲۸
رسانده است^{۱۰} و بالاخره، برخی دیگر از ۱۳۵ نفر
نام برده‌اند^{۱۱}.

- ۱- ابن قیّم جوزیه، المنار المنیف، ص ۱۵۲.
- ۲- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ العبر فی خبر
من غیر، ج ۱، ص ۳۷۳.
- ۳- ابن قیّم جوزیه، المنار المنیف، ص ۱۵۲.
- ۴- ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۰۱.
- ۵- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.
- ۶- محسن العباد، عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی
المنتظر، ص ۵۸.
- ۷- همو، الرد علی من کذب باحادیث الصحیحة الواردة فی
المهدی، ص ۶۵.
- ۸- نجم الدین عسکری، المهدی الموعود المنتظر علیه السلام عند
علماء اهل السنة و الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۲-۲۲۶.
- ۹- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر،
ج ۲، ص ۳۶۹-۳۹۳.
- ۱۰- شامر هاشم العمیدی، دفاع عن الکافی، ج ۲،
ص ۵۶۹-۵۹۲.
- ۱۱- مهدی علیزاده، در انتظار ققنوس، ص ۱۸۸-۱۹۸.

در این قسمت به یادکرد گفته‌های چند نفر از برجسته‌ترین عالمان اهل سنت که برای اهل دانش شناخته شده‌اند، می‌پردازیم:

۱. ابن اثیر جزری (م ۶۳۰ق) در الکامل فی التاریخ می‌نویسد:

«و فیها (سنة ۲۶۰ق) توفي الحسن بن علی بن محمد و هو والد محمد الذي يعتقدونه المنتظر بسرداب سامراء»^۱.

۲. محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ق):

«ابوالقاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی... هو المهدي الحجة الخلف الصالح...»^۲.

۳. سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ق):

«فضل فی ذکر الحجة المهدي. هو محمد بن الحسن علی... و هو الخلف الحجة صاحب الزمان، القائم المنتظر و التالي، و هو آخر الائمة...»^۳.

۴. گنجی شافعی (م قرن هفتم قمری):

وی فصل آخر کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان را با عنوان «فی الدلالة علی جواز بقاء المهدي حیاً» تنظیم کرده و در این بخش، دلایلهای متعددی برای امکان زنده بودن و ادامه حیات امام مهدی علیه السلام بیان داشته است. وی می‌گوید همان‌گونه که عیسی و خضر و الیاس صدها سال است که زنده هستند، امکان زنده بودن امام مهدی نیز وجود دارد.^۴

۵. ابن خلکان (م ۶۸۱ق):

«ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكري بن علی الهادی... ثانی عشر الائمة الاثنی عشر

علی اعتقاد الامامية المعروف بالحجة... كانت ولادته يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس و خمسين و مائتين...»^۵.

۶. علی بن محمد بن صباغ مالکی (م ۸۵۵ق):

وی باب دوازدهم کتاب الفصول المهمة را با این عنوان ذکر کرده:

«فی ذکر ابی القاسم محمد الحجة الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص».

نویسنده در این فصل، دلایلی را در اثبات حیات و زنده بودن امام مهدی (عج) ذکر کرده است.^۶

۷. شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸ق):

وی در چهار کتابش تولد محمد بن الحسن العسكري علیه السلام را یاد کرده است؛ از جمله در العبر فی خبر من غیر می‌نویسد:

الحسن بن علی الجواد بن محمد... احد الائمة الاثنی عشر الذين تعتقد الرافضة فيهم العصمة و هو والد المنتظر محمد، صاحب السرداب»^۷.

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۲۰.

۲- محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۵۲.

۳- ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۵-۳۲۶.

۴- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۷.

۵- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۶- ابن صباغ، الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، ص ۲۸۱.

۷- شمس الدین ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۱،

۸. سید مؤمن شیلنجی (م ۲۹۰ق) در نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار می نویسد:

«فصل فی ذکر مناقب محمد بن الحسن الخالص بن علی... امّه امّ ولد... و کنیته ابوالقاسم...»^۱.

۹. سلیمان بن ابراهیم القندوزی (م ۲۹۴ق):

«فالخبیر المعلوم المحقق عند الثقاة ان ولادة القائم عليه السلام كانت ليلة الخامس عشر من شعبان سنة خمس و خمسين و مائتين في بلدة سامراء...»^۲.

۱۰. خیر الدین زرکلی (م ۱۳۹۶ق):

«محمد بن الحسن العسکری (الخالص) بن علی الهادی، ابوالقاسم: آخر الائمة الاثني عشر عند الامامية و هو المعروف عندهم بالمهدي، و صاحب الزمان، و المنتظر، و الحجة و صاحب السرداب، ولد في سامراء و مات ابوه و له من العمر نحو خمس سنين...»^۳.

پذیرش ولادت یا اقرار به مهدی موعود بودن؟

نکته ای که باید بدان اشاره کرد، این است که هر چند در عبارتهای ذکر شده و مشابه آنها، بسیاری از دانشمندان و نویسندگان اهل سنت ولادت محمد بن الحسن العسکری عليه السلام را قبول دارند، ولی باید این افراد را به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: کسانی که هم ولادت ایشان را پذیرفته اند و هم مهدی بودن وی را باور دارند؛ از جمله می توان از محیی الدین ابن عربی نام برد که وی با صراحت محمد بن الحسن العسکری عليه السلام را همان مهدی موعودی می داند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ظهور وی وعده داده است^۴. محمد بن طلحه شافعی نیز به روشنی بر این باور است و از آن نیز به دفاع برخاسته، به برخی از اشکالاتی که وارد شده پاسخ می دهد^۵. همچنین از این گروه، علی بن محمد بن احمد مالکی معروف به ابن صباغ می باشد. وی نیز با صراحت این دیدگاه را می پذیرد و در مورد امام مهدی (عج) همانند شیعه می اندیشد^۶.

→ ص ۳۷۳.

۱ - مؤمن شیلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

۲ - قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۵۴۳.

۳ - زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۸۰.

۴ - به نقل از: البواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲.

۵ - محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۶۲.

۶ - ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۲۸۲. وی در آنجا چنین ذکر می کند:

«ولد ابوالقاسم محمد بن الحجة بن الحسن الخالص بسرّ من رأى ليلة النصف من شعبان خمس و خمسين و مائتين للهجرة، و أمّا نسبه أباً و أمّاً فهو ابوالقاسم محمد الحجة بن الحسن بن علی... و أمّا

←

سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص، مهدی موعود علیه السلام را همان محمد بن الحسن بن علی بن محمد می‌داند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ظهورش نوید داده است^۱. از این افراد گنجی شافعی نویسنده کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان است که آخرین باب کتابش را به همین موضوع اختصاص داده و از حیات و زنده بودن امام مهدی با دلایل مختلف به دفاع برخاسته است^۲.

دسته دوم: افرادی هستند که به رغم اینکه ولادت محمد بن الحسن العسکری را گزارش کرده و آن را پذیرفته‌اند، ولی به صراحت مهدی موعود بودن ایشان را انکار کرده‌اند؛ مثلاً ذهبی که در چهار کتاب خود ولادت محمد بن الحسن را گزارش کرده، و در جاهای مختلفی بدان اشاره دارد، مهدی بودن وی را نمی‌پذیرد و به سبب این اعتقاد، بر شیعیان خرده می‌گیرد^۳.

ابن حجر هیتمی نیز می‌نویسد: «ابی القاسم محمد الحجة و عمره عند وفاة ابیه خمس سنین...».

وی با این عبارت ولادت فرزند امام عسکری یعنی حضرت حجت را می‌پذیرد، اما از سوی دیگر، باور شیعه را درباره مهدی موعود بودن ایشان مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن را رد می‌کند^۴.

به همین سان ابن خلکان که ولادت محمد بن الحسن را گزارش می‌کند، مهدی موعود بودن ایشان را یک باور شیعی می‌داند و

با لحنی خاص آن را مورد تأمل می‌داند^۵.

→ امه فأم ولد یقال لها نرجس، خیر امة و قبل اسمها غیر ذلك و اما کنیته فابو القاسم و اما لقبه فالحجة و المهدي و الخلف الصالح و القائم المنتظر و صاحب الزمان و اشهرها المهدي...».

۱- ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۵. و بعد از اینکه نسب حضرت را چنین ذکر می‌کند:

«هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد می‌گوید: قال رسول الله یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی... فذلك هو المهدي...».

۲- ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۶، ص ۵۱.

۳- مثلاً وی در سیر اعلام النبلاء جریان ولادت محمد بن الحسن را نقل می‌کند و در ادامه می‌نویسد:

«و محمد هذا (یعنی محمد بن الحسن) هو الذی یزعمون أنه الخلف الحجة و أنه صاحب الزمان... و أنه حی... حتی یخرج فی الارض عدلاً و قسطاً... و من احالك علی غائب لم ینصفک» (ج ۱۳، ص ۱۲۰) و نیز در تاریخ الاسلام بعد از گزارش ولادت می‌نویسد: «و هم (شیعه) یدعون بقاءه، فی السرداب من اربع مائة و خمسين سنة و أنه صاحب الزمان و أنه حی...» (ج ۱۹، ص ۱۱۳).

۴- وی که در دو جا موضوع امام مهدی را در کتابش مطرح کرده، در هر دو جا ضمن اعتراف صریح یا ضمنی به ولادت آن حضرت، مهدی موعود بودن ایشان را رد می‌کند و در یک جا می‌نویسد: «و مع ذلك لا حجة فيه لما زعمته الرافضة ان المهدي هو الامام ابوالقاسم محمد الحجة بن الحسن العسکری...» الصواعق المحرقة، ج ۲، باب ۱۱.

۵- «ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی

بدین سان آشکار گردید که در منابع اهل سنت هرگونه گزارش یا قبول ولادت حجة بن الحسن (علیه السلام) معادل باورمندی صاحب اثر به مهدی موعود بودن آن حضرت نمی باشد، مگر آنکه به صراحت بدان پرداخته باشد.

تحریف سخن محیی الدین ابن عربی

از جمله افرادی که به ولادت امام مهدی به صراحت اذعان کرده، محیی الدین ابن عربی می باشد که در الفتوحات المکیه آن را آورده است و افرادی همانند شعرانی در الیواقیت و الجواهر^۱ و محمد الصبان در اسعاف الراغیین^۲ و حمزاوی در مشارق الانوار^۳ این اعتراف را از وی نقل کرده اند، ولی با کمال تعجب در چاپهای جدید الفتوحات المکیه، بخشی از متن نقل شده - از جمله اینکه امام مهدی (عج) فرزند امام عسکری (علیه السلام) است - حذف شده است. برای داوری در این زمینه، متن نقل شده از الفتوحات در الیواقیت و الجواهر و دیگر کتابها ذکر می شود و آن گاه عبارت موجود فعلی الفتوحات به دنبال آن خواهد آمد:

«و عبارة الشيخ محیی الدین فی الباب السادس و الستین و ثلاث مائة من الفتوحات: و اعلموا انه لا بدّ من خروج المهدي، لكن لا يخرج حتى تمتلي الارض جوراً و ظلماً فيملؤها قسطاً و عدلاً... و هو من عتره رسول الله ﷺ من ولد فاطمة رضي الله عنها جدّه الحسين بن علي بن ابي طالب و والده حسن العسکری ابن الامام علي النقی - بالنون - ابن محمد النقی - بالتاء - ... يواطى

اسمه اسم رسول الله...»^۴.

در این عبارت که شعرانی، محمد الصبان و حمزاوی از ابن عربی نقل کرده اند، به صراحت، امام مهدی (عج) را فرزند امام حسن عسکری معرفی کرده و او را از فرزندان امام حسین (علیه السلام) برشمرده است.

اکنون بنگرید به عبارت الفتوحات کنونی:

«اعلم ايّدنا الله انّ لله خليفة يخرج و قد امتلات الارض جوراً و ظلماً، فيملؤها قسطاً و عدلاً... من عتره رسول الله ﷺ من ولد فاطمة يواطى اسمه اسم رسول الله، جدّه الحسين بن علي بن ابي طالب، يبايع بين الركن و المقام...»^۵.

بدین سان ملاحظه می شود که در عبارت یاد شده، اینکه امام مهدی فرزند امام عسکری باشد،

→ الهادي... و هو الذي تزعم الشيعة انه المنتظر و القائم و المهدي... و اقاويلهم فيه كثيرة... و فيات الاعيان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۱ - شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲.

۲ - محمد الصبان، اسعاف الراغیین فی سيرة المصطفى و فضائل اهل بيته الطاهرين، چاپ شده در حاشیه نور الابصار، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۳ - حسن العدوی الحمزاوی، مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار، ص ۱۱۲.

۴ - شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲؛ نیز محمد الصبان، اسعاف الراغیین فی سيرة المصطفى و فضائل اهل بيته الطاهرين، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ الحمزاوی، مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار، ص ۱۱۲.

۵ - ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۶، ص ۵۱.

وجود ندارد، در حالی که در متن نقل شده از همان منبع که توسط چند نفر گزارش شده، چنین مطلبی به صراحت دیده می‌شود.

همین اختلاف در عبارتها، این پرسش جدی را در اذهان ایجاد کرده که به چه دلیل در یک منبع اصلی که امروزه در دسترس می‌باشد با نقلهایی که از آن شده، چنین تفاوتی وجود دارد؟ مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی در تأیید ادعای نگارنده مبنی بر تحریف در کتاب *الفتوحات المکیه* می‌نویسد:

«حقیر، چند نسخه از فتوحات خطی قدیمی را دیده‌ام که یکی از آنها حدود چهارصد سال قبل و دیگری پانصد سال قبل در مصر و سوریه و نسخه‌ای در ترکیه نوشته شده است، نسب حضرت مهدی به این نحو نوشته است: هو من عتره رسول الله من ولد فاطمة رضی الله عنها وجده الحسين بن علی و والده الحسن العسکری...»^۱

دلایل شیعه بر تولد امام مهدی علیه السلام

هر چند باور به ولادت امام مهدی به شیعه اختصاص ندارد و همان‌گونه که پیشتر آورده شد، بسیاری از دانشمندان اهل سنت نیز بر همین باور هستند، ولی چون خاستگاه اصلی این اعتقاد در شیعه است و در میان اهل سنت به عنوان دیدگاه غالب مورد پذیرش قرار نگرفته است، بدین سبب، در ادامه، به دلایل ولادت امام مهدی علیه السلام از منظر شیعه می‌پردازیم.

تفاوت دیدگاه بر اساس تفاوت مبنا

پیش از پرداختن به بیان دلایل ولادت امام مهدی علیه السلام توضیح این نکته ضرور می‌نماید که موضوع پذیرش ولادت آن حضرت یا نپذیرفتن آن، همانند بسیاری از مسائل اختلافی دیگر میان شیعه و اهل سنت، بیش از هر چیز دیگر، به اختلاف در مبانی برگشت می‌کند و با توجه به نگرشهای گونه‌گونی که نسبت به منابع مورد اعتماد هر یک وجود دارد، در نتیجه مقبولات آنان نیز متفاوت و ناهمگون خواهد بود. بر همین اساس نباید توقع داشت با چنین وضعیتی وحدت نظر در بسیاری از مسائل به وجود آید و انتظار پذیرفتن برخی از دلایل یک طرف از سوی طرف دیگر، انتظار بجایی نمی‌تواند باشد. تلقی اعتبار منابع و مآخذ مورد استناد هر یک، راه و افقهای متفاوت از دیگری را پدید می‌آورد؛ مثلاً وقتی اهل سنت، حجیت احادیث شیعه را نپذیرند، و در مقابل شیعه نیز چنین حجیتی برای احادیث آنان قائل نباشد، معنی ندارد که در اثبات ادعای شیعه برای اهل سنت، به احادیث شیعه استناد نمود، یا برعکس، در تثبیت دیدگاه اهل سنت برای شیعه، به حدیثهای سنّیان تمسک کرد. در موضوع ولادت امام مهدی (عج)، شیعه دلایل فراوانی دارد که بر اساس همین توضیحی که داده شد، و با توجه به نگرش اهل سنت به

۱ - آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، ص ۹۱۴، پی‌نوشت سوم.

منابع مورد استناد شیعه، پذیرش آن دلایل هم نمی‌تواند کار آسانی باشد.

البته در همین جا نیز برخی استدلالها وجود دارد که به گونه‌ای می‌تواند برای طرف مقابل قانع‌کننده باشد، ولی بدیهی است بسیاری از آنها نیز چنین نیستند؛ اکنون با توجه به این مقدمه، مهم‌ترین دلیلهایی که شیعه در این باره دارد یاد می‌شود:

الف - اخبار پیشاپیش رسول خدا ﷺ و ائمه

معصومین علیهم السلام به ولادت مهدی موعود

رسول خدا ﷺ فرموده است:

«ان الله اختار من الايام يوم الجمعة و من الليالي ليلة القدر و من الشهور شهر رمضان و اختارني من الرسل، و اختار مني علياً و اختار من علي الحسن و الحسين، و اختار من الحسين الاوصياء تاسعهم قائمهم...»^۱

خداوند از میان روزها، روز جمعه را برگزید و از شبها، شب قدر و از ماهها ماه رمضان را انتخاب کرد و مرا از میان رسولان برگزید و علی را از من و حسن و حسین را از علی برگزید و اوصیای بعدی را از امام حسین انتخاب کرده که نهمین آنان قائم است...

و نیز از حضرت علی علیهما السلام نقل شده:

«التاسع من ولدك يا حسين، هو القائم بالحق المظهر للدين و الباسط للعدل...»^۲

نهمین فرزند تو ای حسین، همان قائم به حقی است که دین خدا را غالب می‌گرداند و عدل

را می‌گستراند....

از امام حسن علیهما السلام چنین روایت شده:

«... القائم الذي يصلی روح الله عیسی بن مریم علیها السلام خلفه، ... ذلك التاسع من ولد اخی الحسين»^۳

... قائمی که عیسی مسیح پشت سر وی به نماز خواهد ایستاد، نهمین فرزند از نسل برادر من حسین می‌باشد....

امام حسین علیهما السلام نیز فرموده است:

«فی التاسع من ولدی سنّة من یوسف و سنّة من موسی بن عمران و هو قائمنا اهل البیت، یصلح الله تبارک و تعالی امره فی لیلة واحدة»^۴

نهمین فرزند من سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران داراست. او قائم اهل البیت است و خدای متعال کارهای او را در یک شب سامان می‌بخشد.

مانند این روایت، احادیثی از دیگر ائمه معصومین وارد شده که می‌رساند مهدی موعود، نهمین فرزند امام حسین علیهما السلام است و این خبر، با الفاظ و عبارات گونه‌گونی از سوی آن حضرت منعکس گردیده، بیشتر این احادیث، در منتخب الاثر گردآوری شده و می‌توان برای اطلاع بیشتر

۱ - مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۶؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲ - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۶، ص ۵۶۴.

۳ - همان، باب ۲۹، ح ۲، ص ۵۸۱.

۴ - همان.

بدان جا مراجعه کرد^۱.

ب - تصریح امام عسکری به

ولادت فرزندش مهدی (عج)

در خبر صحیحی ابی هاشم جعفری می‌گوید به ابو محمد (امام عسکری) عرض کردم: عظمت و بزرگی شما، مرا از پرسش کردن باز می‌دارد، آیا اجازه می‌فرمایید که از شما سؤال کنم؟

فرمود: بپرس.

عرض کردم: آیا شما فرزندی دارید؟

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد کجا سراغ او را بگیریم؟
فرمود: در مدینه^۲.

در حدیث دیگری که یکی از یاران امام عسکری روایات کرده چنین آمده است:

«خرج الی من ابی محمد قبل مضیه بستین یخبرنی بالخلف من بعده ثم خرج الی قبل مضیه بثلاثة ایام یخبرنی بالخلف من بعده»^۳.

دو سال قبل از شهادت امام عسکری از سوی ایشان به من پیغام رسید با مضمون معرفی جانشین بعد از خودش، و دیگر بار سه روز پیش از شهادتش، با همان مضمون، پیغام دیگری به من رسید.

ج - گواهی قابله امام مهدی (عج)

قابله امام مهدی (عج) حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام می‌باشد که به هنگام ولادت آن

حضرت به نرجس خاتون، مادر ارجمند امام زمان رسیدگی می‌کرده است. وی پس از متولد شدن امام مهدی، جریان ولادت و برخی از کرامات رخ داده را نقل کرده است. مرحوم شیخ صدوق، حضور حکیمه خاتون و دعوت امام عسکری علیه السلام از وی برای حضور در منزل و چگونگی ولادت امام مهدی را از زبان آن بانو به تفصیل یاد کرده است^۴.

بجز وی، از زنان دیگری که هنگام زایمان به او کمک کرده‌اند نام برده شده؛ از جمله نسیم و ماریه خادمه امام عسکری^۵ و نیز کنیز ابوعلی خیزرانی که او را به امام عسکری علیه السلام هدیه کرده بود و بعد از شهادت آن حضرت، موضوع تولد را برای صاحب قبلی اش گزارش کرده است^۶.

د - دیدارکنندگان با امام مهدی علیه السلام در خردسالی

در بسیاری از کتابهای حدیثی شیعه که برخی از آنها کتب مرجع و منبع در زمینه آشنایی با حضرت مهدی به‌شمار می‌روند، بخشی به

۱ - برای اطلاع بیشتر درباره این‌گونه روایات بنگرید به:

متنخبات، ج ۲، ص ۱۶۴-۲۲۱.

۲ - کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲۸.

۳ - همان، ح ۱، برای آگاهی بیشتر رجوع شود به:

الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶-۴ و نیز ص ۵۱۴، باب

مولد الصاحب؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب

۴۲، فی میلاد القائم؛ شیخ طوسی، الغیبه، فصل سوم.

۴ - شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱.

۵ - همان، ح ۵. ۶ - همان، ح ۷.

گزارش دیدارهایی اختصاص یافته که برخی از یاران ائمه در زمان کودکی امام مهدی با ایشان داشته‌اند. این دیدارها در دوره حضور امام عسکری علیه السلام صورت گرفته است؛ هر چند بعد از شهادت ایشان نیز چنین ملاقاتهایی وجود داشته است.

مرحوم کلینی در کتاب الکافی بابی را با عنوان «فی تسمیة من رأه علیه السلام» آورده، پانزده حدیث نقل می‌کند که تعدادی از آنها از جمله احادیث ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۰، ۱۲ و ۱۴، گزارش دیده شدن امام مهدی (عج) در دوره پیش از شهادت پدر بزرگوارشان می‌باشد. در این روایتها، افراد فراوانی دیدن امام را گزارش کرده‌اند و در شماری از آنها معرفی آن حضرت توسط امام عسکری علیه السلام به عنوان جانشین خودشان منعکس شده است.^۱

مرحوم شیخ صدوق نیز در دو باب کمال الدین به نقل این‌گونه گزارشها پرداخته است و در مجموع ۴۱ حدیث را ذکر کرده که در شماری از آنها جریان مشاهده حضرت در دوره خردسالی ذکر شده و در آنها به شکلهای گوناگون، از جمله بیان وضعیت جسمی و شکل و شمایل ایشان بیان شده است؛ از جمله محمد بن الحسن کرخی می‌گوید:

از ابا هارون که یکی از اصحاب ما بود شنیدم که می‌گفت: صاحب الزمان را دیدم و چهره‌اش مانند ماه شب چهاردهم می‌درخشید و بر ناف وی موئی خط مانند مشاهده کردم...^۲

گاهی توزیع عقیقه ولادت آن حضرت از سوی امام عسکری علیه السلام در این احادیث گزارش شده است:

«ان ابا محمد بعث الی بعض من سماه و قال: هذه من عقیقة ابني محمد»^۳.

محمد بن ابراهیم کوفی می‌گوید: امام عسکری گوشت گوسفند ذبح شده‌ای را برای بعضی از افراد که نام آنها را بردند فرستادند و گفتند: این عقیقه پسر محمد است.

در حدیثی دیگر جریان دیدار چهل نفر از شیعیان با آن حضرت این‌گونه نقل شده است:

ما چهل نفر در منزل امام عسکری بودیم و ایشان فرزندشان را به ما نشان دادند و فرمودند: ایشان بعد از من، امام شما و جانشین بعد از من هستند. از وی پیروی کنید و بعد از من در دیتان به تفرقه روی نیاورید که هلاک خواهید شد. بدانید که از امروز به بعد او را نخواهید دید.

آنان می‌گویند ما از خدمت امام عسکری مرخص شدیم و پس از چند روز، خبر ارتحال ایشان اعلام شد.^۴

بسیاری از محدثان دیگر، جریان دیده شدن امام مهدی را در دوران کودکی، با عبارتهای مختلفی گزارش کرده‌اند؛ از جمله مسعودی در

۱- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲، ص ۳۲۹، ح ۴ و ۶ و ص ۳۳۲، ح ۱۳ و ۱۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱.

۳- همان، باب ۴۲، ح ۱۰.

۴- همان، باب ۴۳، ح ۲.

اثبات الوصیه^۱، طبری در دلائل الامامه^۲، فتال نیشابوری در روضة الواعظین^۳ و قطب راوندی در الخرائج و الجرائح^۴.

ه - ملاقات کنندگان با امام مهدی

در دوره غیبت صغری

افزون بر آنچه یاد شد، روایتهای بسیاری در کتابهای حدیثی شیعه نقل شده که جریان ملاقات افراد متعددی را با آن حضرت در دوره غیبت صغری (۲۶۰ - ۳۲۹ق) یاد کرده‌اند. این دیدارها، گاه مربوط به نائبان خاص آن حضرت و گاه مربوط به وکلای مالی ایشان بوده و برخی اوقات شیعیان توفیق چنین ملاقاتی را پیدا می‌کردند.

عبدالله بن جعفر حمیری از محمد بن عثمان^۵ سؤال کرد که آیا صاحب الامر را دیده‌ای؟

وی پاسخ داد: «بلی و آخرین مرتبه در بیت الله الحرام...»^۶.

و نیز از وی نقل شده که می‌گوید: حضرت را دیدم در حالی که به پرده کعبه چنگ زده بود و می‌فرمود:

«اللهم انتقم لی من اعدائك»^۷.

تعدادی از افراد نائل شده به دیدار آن حضرت در دوره غیبت صغری از این قرارند:

۱. ابراهیم بن ادريس (الكافی، ج ۱، ص

۳۳۱، ح ۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۳).

۲. ابراهیم بن محمد التبریزی (الغیبه، ص

۲۵۹، ح ۲۲۶).

۳. احمد بن اسحاق بن سعد الاشعری (کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۴۳، ح ۱).

۴. ابراهیم بن عبده النیشابوری (الكافی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۳).

۵. احمد بن الحسين بن عبد الملك ابو جعفر الازدی (کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۸).

۶. علان الكلینی (همان، باب ۴۳، ح ۲۳).

۷. ابوالهیشم الدیناری (همان).

۸. ابوجعفر الاحول الهمدانی (همان).

۹. محمد بن القاسم العلوی العقیقی (همان و الغیبه، ص ۲۵۹، ح ۲۲۷).

۱۰. ابوالادیان (کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۴).

۱ - مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۵.

۲ - طبری، دلائل الامامه، ص ۲۷۴ و ۲۷۷.

۳ - فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۵۷-۲۶۲.

۴ - راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۵۷، ۹۶۰ و ۱۱۰۱.

۵ - ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید، دومین نائب از «نواب چهارگانه» امام زمان (عجل الله فرزند نائب اول عثمان بن سعید است. وی بعد از مرگ پدر، عهده‌دار سفارت امام گردید و در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ق در بغداد درگذشت.

۶ - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۳۱۱۵.

۷ - همان.

حضرت مهدی صاحب الزمان تطبیق داده‌اند که می‌توان از این افراد نام برد:

۱. محمد بن طلحه شافعی^۲
۲. علی بن محمد صباغ مالکی^۳
۳. گنجی شافعی^۴
۴. احمد بن علی شعرانی^۵
۵. محیی‌الدین عربی^۶
۶. علامه شبلینجی^۷
۷. قندوزی^۸
۸. علامه حمزوی^۹
۹. ابن جوزی^{۱۰}.

۱- برای آگاهی بیشتر در این باره می‌توان به مقاله محققانه آقای علی اکبر ذاکری، در کتاب چشم به راه مهدی (ص ۱۰۴-۳۳) که در همین باره به چاپ رسیده مراجعه کرد.

۲- محمد بن طلحه شافعی، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳- ابن صباغ، الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، ص ۲۸۱.

۴- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۹۷.

۵- شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲.

۶- به نقل از: الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۵۶۲؛ حمزوی، مشارق الانوار، ص ۱۱۲؛ محمد الصبان، اسعاف الراغبین، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۷- شبلینجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۶۸.

۸- قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۵۴۳.

۹- حمزوی، مشارق الانوار، ص ۱۱۲.

۱۰- ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۵۲-۳۲۶.

۱۱. ابوالعباس محمد بن جعفر الحمیری القمی (همان، ص ۴۷۶، ح ۲۶).

۱۲. ابن نعیم محمد بن احمد الانصاری (الغیبه، ص ۲۵۹، ح ۲۲۷).

۱۳. ابوجعفر الاودی (همان، ص ۲۵۳، ح ۲۲۳).

۱۴. محمد بن عثمان (همان، ص ۳۵۱، ح ۲۲۱).

۱۵. الحسن بن وحناء النصبی (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۳، ح ۱۷).

۱۶. حاجز (همان، ص ۴۴۲، ح ۱۶).

یادکرد این نکته سودمند می‌باشد که آنچه درباره دیده شدن امام مهدی بیان شد، مربوط به دوره خردسالی و مقطع غیبت صغری می‌باشد؛ آنچه مورد اتفاق دانشمندان شیعه می‌باشد، اما درباره ملاقات با ایشان در دوره غیبت کبری، مطالب و جریانات بسیاری نقل شده که با توجه به مباحث جدی که درباره ملاقات با آن حضرت در این مقطع وجود دارد، از استناد به آنها برای اثبات تولد امام مهدی (عج) خودداری شد^۱.

و- گواهی برخی از عالمان اهل سنت بر ولادت مهدی موعود (عج)

پیشتر اشاره شد که شماری از دانشمندان اهل سنت ولادت امام مهدی (عج) را پذیرفته‌اند و این خود، یکی از بهترین مستندات در اثبات ولادت آن حضرت است، البته هر چند بسیاری از آنان فقط تولد محمد بن الحسن العسکری را بدون تطبیق ایشان بر مهدی موعود بیان داشته‌اند؛ اما از این میان، بسیاری از آنها وی را بر

منابع و مآخذ

- دارالعلم للملایین، ۱۹۹۲م.
- ۱۵- شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت، مؤسسه ام القرى، ۱۴۲۰ق.
- ۱۶- شبلنجی، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ۱۷- شعرانی، البواقیت و الجواهر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۸- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، چاپ دوم: قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۲۱ق.
- ۱۹- الصبان، محمد، اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی، بیروت، دارالفکر.
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
- ۲۱- _____، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- ۲۲- طباطبائی، محمد حسین، شیعه در اسلام، تهران، دارالکتب، ۱۳۴۶ش.
- ۲۳- طبری، دلائل الامامه، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳ش.
- ۲۴- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- ۲۵- العباد، محسن، «الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدي»، مجله الجامعه الاسلامیه، سال اول، شماره سوم، ۱۳۸۸ق.
- ۲۶- عسکری، نجم الدین، المهدي الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة و الشيعة.
- ۲۷- علم الهدی، سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، قم، انتشارات رضی، بی تا.
- ۲۸- العمیدی، ثامر هاشم، در انتظار قفوس، ترجمه مهدی عزیزاده، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی،
- ۱- آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری، چاپ سوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- ۲- ابن اثیر الجزری، الکامل فی التاریخ، چاپ دوم: بیروت، دارالکتب العربی.
- ۳- ابن جوزی، تذکره الخواص، بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۰۱ق.
- ۴- ابن خلکان، محمد ابی بکر، وفيات الاعیان، چاپ دوم: قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳ش.
- ۵- ابن صبغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، چاپ دوم: بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۹ق.
- ۶- ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- ۷- ابن قیّم جوزیه، المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۸- حمزروی، حسن، مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار، مصر، مطبعة العثمانی، ۱۳۰۷ق.
- ۹- ذهبی، شمس الدین، العبر فی خبر من غیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- _____، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۲ق.
- ۱۱- _____، دول الاسلام، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۵ق.
- ۱۲- _____، سیر اعلام النبلاء، چاپ چهارم: بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ق.
- ۱۳- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۹ق.
- ۱۴- زرکلی، خیر الدین، الاعلام، چاپ دهم: بیروت،

- ۱۳۷۹ش. _____، دفاع عن الکافی، مرکز الغدير، ۱۴۱۵ق.
- ۲۹- ۳۰- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی.
- ۳۱- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۸ق.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم: بیروت، دار صعب، ۱۴۰۱ق.
- ۳۳- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، بیروت، دارالمحجہ البيضاء، ۱۴۲۱ق.
- ۳۴- مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- ۳۵- مظفر، محمد رضا، عقائد الامامیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- ۳۶- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۳۷- هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به ابو خالد می گوید:

ای ابا خالد: مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله که با شمشیر به جهاد برخاسته اند قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند. و فرمود: انتظار فرج خود بزرگترین فرج است. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه دکتر پهلوان، ۱/۵۸۸)